





دانشگاه بوعلی سینا  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه زبان‌شناسی همگانی  
جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

عنوان  
فرهنگ ظرفیت افعال فارسی  
بر اساس دستور وابستگی

استاد راهنما  
دکتر امید طبیب‌زاده

استاد مشاور  
دکتر مهرداد نغزگوی کهن

دانشجو  
مهربانو سیف‌اللهی

۱۳۸۸ / ۵ / ۱۳

کتابخانه مرکزی  
فصلنامه ادبیات

۱۱۵۶۳۱



دانشگاه همدان

دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی

مدیریت تحصیلات تکمیلی

با یاری خداوند بزرگ، جلسه‌ی دفاع از پایان‌نامه‌ی **مهربانو سیف الهی** به شماره دانشجویی **۸۵۳۳۲۷۸۰۰۷** در رشته‌ی **زبان‌شناسی همگانی** دوره‌ی کارشناسی ارشد، در تاریخ **۸۷/۷/۲۷**، ساعت **۱۱-۱۲/۳۰** در سالن کنفرانس دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بو علی سینا همدان برگزار شد.

این پایان‌نامه با عنوان:

**فرهنگ ظرفیت افعال فارسی**

مورد تأیید هیات داوران قرار گرفت و با نمره **۱۹** و درجه‌ی **عالی** به تصویب رسید.

داوران:

استاد راهنما: جناب آقای دکتر امید طبیب زاده

استاد مشاور: جناب آقای دکتر مهرداد بنغز گوی کهن

استاد داور داخلی: جناب آقای دکتر محمد راسخ مهند

استاد داور خارجی: جناب آقای دکتر محرم اسلامی

مدیر تحصیلات تکمیلی دانشکده: جناب آقای دکتر رحمان بختیاری

## تقدیر و سپاس

باری، اگر روزی کسی از من بپرسد  
«چندی که در روی زمین بودی چه کردی»؟  
من، می‌گشایم پیش رویش دفترم را  
گریان و خندان، بر می‌افرازم سرم را  
آن‌گاه می‌گویم که: بذری «نوفشانده» ست،  
تا بشکفد، تا بر دهد، بسیار مانده ست.

تقدیم به استاد ارجمند جناب آقای دکتر امید طبیب‌زاده که منت گذاشته و راهنمایی  
اینجانب را قبول فرمودند و با تشکر از حسن سلویشان که به من اندیشیدن را آموختند و  
نه اندیشه‌ها را.

با تشکر از اساتید بزرگوار جناب آقای دکتر مهرداد نغزگوی کهن و جناب آقای دکتر  
محمد راسخ مهند که از وقت ارزشمند خویش مایه گذاشته و مرا مرهون لطف خویش  
نمودند.

و تقدیم به خانواده‌ام و با سپاس از ایشان که همواره دغدغه چنین روزی را داشتند و چه  
زیباست لبخند رضایت بر لبانشان امروز.

۱	چکیده
۲	مقدمه
۴	فصل اول : معرفی دستور وابستگی و نظریه ظرفیت
۵	۱. ۱. دستور وابستگی و نظریه ظرفیت
۵	۱. ۲. ظرفیت نحوی
۶	۱. ۳. ساخت ظرفیتی، ساخت بنیادین و نحوه‌ی نمایش آن‌ها
۶	۱. ۴. متمم‌های فعل در فارسی
۶	۱. ۴. ۱. فاعل
۸	۱. ۴. ۲. مفعول
۹	۱. ۴. ۳. مفعول حرف اضافه‌ای
۱۰	۱. ۴. ۴. مفعول نشانه اضافه‌ای
۱۱	۱. ۴. ۵. بند متممی
۱۴	۱. ۴. ۶. مسند
۱۴	۱. ۴. ۷. تمیز
۱۵	۱. ۴. ۸. متمم قیدی
۱۷	فصل دوم : برخی نکات نظری در مورد فرهنگ حاضر
۱۸	۱. ۲. آنچه در این فرهنگ درج نشده است
۱۸	۱. ۱. ۲. افعال قدیمی

۱۹.....	۲.۱.۲. افعال محاوره‌ای و عامیانه.....
۱۹.....	۲.۱.۳. افعال ادبی.....
۱۹.....	۲.۱.۴. ساخت‌های مشتق.....
۲۰.....	۲.۱.۵. زنجیره‌هایی که به اشتباه مرکب فرض شده‌اند.....
۲۲.....	۲.۲. چه ترکیباتی فعل مرکب نیستند.....
۲۲.....	۲.۲.۱. اسم + فعل بسیط.....
۲۴.....	۲.۲.۲. اسم + فعل داشتن.....
۲۴.....	۲.۲.۳. قید + فعل بسیط.....
۲۵.....	۲.۲.۴. صفت + فعل ربطی.....
۲۶.....	۲.۲.۵. صفت + فعل سببی.....
۲۶.....	۲.۲.۶. فاعل + فعل بسیط.....
۲۷.....	۲.۲.۷. جملات غیر شخصی.....
۲۸.....	۲.۳. چه ترکیباتی فعل مرکب هستند.....
۳۱.....	فصل سوم: فرهنگ ظرفیت نحوی افعال.....
۳۲.....	علائم و نشانه‌های اختصاری.....
۱۳۴.....	فصل چهارم: ساخت‌های بنیادین فارسی بر اساس میزان کاربرد آن‌ها.....
۱۳۸.....	منابع.....

## چکیده

دستور وابستگی نظریه‌ای صورت‌گراست که به بررسی روابط وابستگی بین عناصر هسته و وابسته و توصیف ساخت‌های نحوی در زبان می‌پردازد. مهم‌ترین مبحث این دستور مسئله ظرفیت نحوی است، که به بحث درباره‌ی وابسته‌های فعل و اسم و صفت می‌پردازد.

این رساله را با بحث مختصری درباره‌ی نظریه دستور وابستگی و ظرفیت نحوی افعال آغاز کرده‌ایم و پس از آن به توصیف متمم‌های فعل در فارسی پرداخته‌ایم. سپس بحث مختصری در مورد آنچه در این فرهنگ درج نشده و دلایل عدم ثبت آنها ارائه شده است. همچنین به بحث مفصلی در مورد افعال مرکب و نحوه و معیارهای تشخیص آنها از سایر افعال پرداخته‌ایم. در نهایت ساخت‌های ظرفیتی و بنیادی ۶۵۴ فعل از افعال پرکاربرد فارسی معیار معاصر را بررسی و ارائه کرده‌ایم.

کلمات کلیدی: دستور وابستگی، ظرفیت نحوی، ساخت ظرفیتی، ساخت بنیادین، متمم، فعل مرکب.

فرهنگ ظرفیت فعل حاضر بر اساس دستور وابستگی و نظریه ظرفیت نوشته شده است. در نظریه ظرفیت، فعل مرکز ثقل ساختاری جمله و تعیین کننده تعداد و انواع متمم‌های جمله است. در واقع در هر جمله فعل هسته و سایر عناصر یا وابسته فعل و یا وابسته‌ی وابسته‌ی فعل هستند. در این فرهنگ سعی کرده‌ایم تعداد و انواع متمم‌ها و ساخت‌های بنیادین حدود ۶۵۰ فعل از افعال پر کاربرد فارسی را استخراج کنیم. ساخت‌های بنیادین ساخت‌هایی هستند که تمام جملات زبان بر اساس آن‌ها به وجود می‌آید و نیز تمام جملات زبان قابل تقلیل به این ساخت‌ها هستند.

چنین فرهنگی نخستین بار توسط هلبیگ و شنکل آلمانی در سال ۱۹۶۸ منتشر شد. در زبان فارسی نیز لعیبا کبیری (۱۳۸۵) در رساله‌ی خود تحت عنوان "فرهنگ ظرفیت افعال فارسی" دست به این اقدام زده و چهار حرف از حروف الفبای فارسی شامل (آ، ب، پ، ج) را بررسی کرده است. فرهنگ حاضر گامی در راه تکمیل این کار و دستیابی به فرهنگی است که کمک به تسهیل استخراج متمم‌ها و ساخت‌های بنیادین افعال فارسی باشد.

فرهنگ مذکور شامل چهار فصل است. در فصل اول این رساله به دستور وابستگی و نظریه ظرفیت پرداخته‌ایم و هر کدام را به اختصار توصیف کرده‌ایم. همچنین متمم‌های فعل در فارسی را بر اساس آنچه طبیب‌زاده (۱۳۸۵) بیان نموده، آورده‌ایم و برای هر یک توضیح و مثال ارائه کرده‌ایم. لازم به ذکر است که از بین متمم‌ها، متمم قید مکان را حذف کرده‌ایم، چرا که متمم قید مکان در واقع همان مفعول حرف اضافه‌ای در افعال حرکتی است. بنابراین ترجیح دادیم تا به تعداد متمم‌ها نیفزاییم. البته باید توجه داشت که مفعول حرف اضافه‌ای در افعال حرکتی ممکن است با قید مکان اشتباه شود. برای تمایز نهادن میان قید و مفعول حرف اضافه‌ای می‌توان از آزمون جانشینی استفاده کرد. با حذف متمم‌های اجباری، جمله بدساخت یا ناقص می‌شود، اما با حذف غیر متمم‌ها (قید) جمله بدساخت یا ناقص نخواهد شد:



الف) مینا در همدان سکونت دارد.

\* مینا سکونت دارد.

ب) علی در کرمان کار می کند.

علی کار می کند.

بنابراین گروه حرف اضافه‌ای در جمله (الف) متمم و مفعول حرف اضافه‌ای است. اما گروه حرف

اضافه‌ای در جمله (ب) قید است.

همچنین ذکر تفاوت بند قیدی از بند متممی، به علت کثرت کاربرد آن در فرهنگ ضروری

می‌نماید. بندهای قیدی را می‌توان به صورت گروه حرف اضافه‌ای برای درآورد، ولی در مورد

بندهای متممی این کار مقدور نیست:

الف) علی آمد که مرا ببیند.

علی برای دیدن من آمد.

ب) علی گفت که می‌آید.

\* علی برای آمدن گفت.

بنابراین جمله (ب) دارای بند متممی و جمله (الف) دارای بند قیدی است.

در فصل دوم نکاتی ضروری در مورد فرهنگ را بیان نموده‌ایم؛ فرهنگ حاضر شامل ۶۵۴ فعل از

انواع مرکب، پی بستنی، پیشوندی، بسیط و ربطی است که از بین هزار فعل که از فرهنگ دانش آموز

سخن گرفته شده بود، انتخاب کرده ایم. افعال قدیمی و مهجور مانند: «آرامیدن، بانگ زدن،

پیراستن، تاخت آوردن، روفتن و...» و افعال محاوره‌ای مانند «بخ کردن، بز آوردن، پا خوردن،

جیک زدن، واماندن و...» و افعال ادبی مانند «باراندن، پراکندن، پستی گرفتن، کاویدن، هراسیدن

و...» را نیاورده و سعی کردیم تنها افعالی را که در فارسی معیار امروز کاربرد دارند، بنویسیم. در هر

مدخل در برابر هر فعل نوع آن (بسیط، پیشوندی، پی بستنی و مرکب) معانی متعدد آن و ظرفیت

نحوی و بنیادی آن فعل را آورده‌ایم و مثالی نیز از کاربرد هر فعل در جمله آورده‌ایم. مثال‌ها را تا حد امکان، به منظور تسهیل در تشخیص متمم‌های فعل ساده کرده‌ایم.

در این فرهنگ ساختهای مشتق شامل ساختهای مجهول مانند «آب شدن، پرس شدن، تا شدن، غیب شدن و...» و نیز ساختهای سببی مانند «پوشاندن، ترساندن، ترکاندن، غلتاندن، نوشاندن و...» را نیاوردیم. البته در برخی موارد که فعل ساخت سببی داشت اما در معنایی به جز معنای فعل لازم به کار می‌رفت، آن افعال را آورده‌ایم مانند افعال «پرانندن، چپاندن، چکاندن، رساندن».

در این فصل همچنین در مورد زنجیره‌هایی بحث کرده‌ایم که در فرهنگ سخن فعل مرکب فرض شده اند اما در واقع مرکب نیستند. این زنجیره‌ها شامل موارد زیر هستند:

(۱) مفعول + فعل: امضا گرفتن، بوس دادن، تخصص گرفتن، شهید دادن...

(۲) مسند + فعل ربطی: اول شدن، بلد شدن، بیچاره شدن، پیر شدن، سبز شدن...

(۳) فاعل + فعل: آفتاب زدن، باران آمدن، برف آمدن...

(۴) مسند + فعل سببی: برجسته کردن، بیکار کردن، عصبی کردن، یکی کردن...

(۵) قید + فعل: بیرون آوردن، پایین آمدن، عقب رفتن، عقب نشستن...

(۶) جملات غیر شخصی: آفتاب شدن، صبح شدن، غروب شدن...

لازم به ذکر است که افعالی را که از نظر ساخت شبیه به افعال گروه ۲ هستند اما مرکب و متشکل از همراه + همکرد می‌باشند در فرهنگ نوشته‌ایم مانند «بلند شدن، پا شدن...» توجه شود که بلند شدن در اینجا در معنای "از جای برخاستن" است.

پس از ذکر موارد فوق شش معیار به ترتیب زیر به منظور تشخیص فعل مرکب از چنین زنجیره‌هایی به دست دادیم که در ادامه به شکل کامل شرح خواهیم داد.

(۱) فعل مرکب یک واحد معنایی است و معنای ترکیبی ندارد.

(۲) عبارتی متشکل از یک اسم و فعل گذرا که مجموعاً به یک مفعول رایبی نیاز دارد، فعل مرکب است.

۳) عبارتی متشکل از یک اسم و فعل گذرا که مجموعاً مانند فعل ناگذرا عمل کرده و به مفعول احتیاج ندارد، فعل مرکب است.

۴) عبارتی متشکل از یک اسم و فعل گذرا که در آن بتوان هر اسمی را جایگزین اسم مفروض کرد، فعل مرکب نیست.

۵) در عبارات متشکل از یک اسم و فعل گذرا (اغلب زدن، دادن، گفتن، گرفتن) اگر بتوان این عبارت را با قید چند بار به کار برد، فعل مذکور مرکب است. اما اگر با عبارت چند تا به کار رود و عبارت حاصل قابل قبول باشد، فعل، مرکب نیست.

۶) در عبارات متشکل از یک اسم و افعال زدن و خوردن اگر بتوان اسم را با کمک حرف اضافه‌ی با در نقش ابزاری به کار برد، فعل مفروض مرکب نیست.

فصل سوم رساله‌ی حاضر فرهنگ ظرفیت نحوی افعال است. فصل چهارم به بررسی میزان کاربرد ساختهای بنیادین افعال فارسی اختصاص دارد. در این فصل پس از بررسی نحوی افعال فارسی و مقایسه‌ی ساختهای بنیادین آنها با یکدیگر به نتایجی در مورد میزان کاربرد این ساختها رسیده و جدولی بر این اساس به دست داده‌ایم.

فصل اول:

معرفی دستور وابستگی و نظریه ظرفیت

## ۱.۱ دستور وابستگی و نظریه ظرفیت

نظریه دستور وابستگی یکی از نظریه های ساختگرا و صورتگرا است که اساسا از طریق بررسی روابط وابستگی بین عناصر هسته و وابسته در زبان، به توصیف ساختهای نحوی می پردازد. مهم ترین مبحث دستور وابستگی، نظریه ظرفیت (valency) است که به بحث درباره ی انواع وابسته های فعل، اسم و صفت اختصاص دارد. (طیب زاده ۱۳۸۵، ۲۳-۲۵)

### ۲.۱ ظرفیت نحوی

ظرفیت نحوی به بحث درباره ی وابسته های فعل و اسم و صفت اختصاص دارد. بر اساس نظریه ظرفیت مرکز ثقل ساختاری جمله فعل است زیرا فعل تعیین می کند که چه تعداد متمم هایی می توانند یا باید در جمله ظاهر شوند. یعنی در هر جمله ای غالبا فعل هسته است و بقیه عناصر یا وابسته ی فعل هستند و یا وابسته ی وابسته ی فعل. در نظریه وابستگی هر هسته، چه اسم باشد، چه فعل و چه صفت، ظرفیت خاصی دارد. ظرفیت عبارت است از توانایی هسته در جذب تعداد و انواع مشخصی از وابسته ها. وابسته های فعل شامل متمم ها و غیر متمم ها می شوند. متمم های فعل به ظرفیت فعل تعلق دارند. غیر متمم ها به کلیه عناصری اطلاق می شود که به ظرفیت فعل تعلق ندارند اما فعل و یا گاه کل جمله را توصیف می کنند. متمم های فعل به دو دسته ی متمم های اجباری و متمم های اختیاری قابل تقسیم اند. متمم های اجباری آن دسته از متمم ها هستند که وجودشان در جمله الزامی است و حذف آنها موجب بد ساخت شدن جمله می شود و متمم های اختیاری آن دسته اند که قابل حذف هستند:

علی خانه را به ما اجاره داد.

در این جمله خانه متمم اجباری است، زیرا حذف آن جمله را اگر نه غیر دستوری، دست کم ناقص می کند.

\*علی به ما اجاره داد.

اما گروه حرف اضافه‌ای به ما متمم اختیاری است، زیرا حذف آن جمله را نه غیر دستوری می‌سازد و نه ناقص.

علی خانه را اجاره داد.

غیر متمم‌ها نیز به دو دسته قید فعل و قید جمله تقسیم می‌شوند.

متمم‌های فعل در زبان فارسی عبارتند از: فاعل، مفعول، مفعول حرف اضافه‌ای، مفعول نشانه اضافه‌ای، تمیز، مسند، بند متممی و متمم قیدی (حالت و مقدار) که در صفحات بعد به طور مفصل توصیف می‌شوند. (برای اطلاع بیشتر ر ک طبیب زاده ۱۳۸۵، ۲۵-۳۰)

### ۳.۱ ساخت ظرفیتی، ساخت بنیادین و نحوه نمایش آن‌ها

هر فعل در واژگان از حیث متمم‌های اجباری و اختیاری که می‌گیرد، دارای ویژگی‌های خاصی است. ما این ویژگی‌ها را با ساخت ظرفیتی افعال در واژگان که انگاره‌ای انتزاعی و گاه پیچیده است، نمایش می‌دهیم. یعنی برای هر فعل یک ساخت ظرفیتی انتزاعی به دست می‌دهیم که نشان می‌دهد متمم‌های آن کدام و چگونه‌اند. از طرفی هر ساخت ظرفیتی را غالباً می‌توان به صورت چند جمله گوناگون نمایش داد؛ هر یک از این احتمالات را که ساده‌تر از ساخت ظرفیتی است، ساخت بنیادین می‌نامیم. به عبارت دیگر هر ساخت بنیادین جمله وضع متمم‌های اجباری و اختیاری فعل را درون یک جمله‌ی خاص مشخص می‌کند. ساخت ظرفیتی فعل را درون دو قلاب < > و ساخت جمله را درون دو جفت خط عمودی || || نمایش می‌دهیم:

گفتن: < فا، مفتح به ای، مفتح/بند >

|| فا، مفتح به ای، مفتح ||

او حقیقت را به من گفت.

|| فا، مفتح به ای، بند ||

او به من گفت که ماجرا از چه قرار است.

## ۴.۱ متمم‌های فعل در فارسی

طیب‌زاده (۱۳۸۵) با بررسی بیش از ۲۰۰۰ فعل فارسی مشتمل بر انواع فعل ساده، پیشوندی، مرکب و پی‌بستی، هشت متمم نحوی را به قرار زیر استخراج کرده است: فاعل، مفعول، مفعول حرف اضافه‌ای، مفعول نشانه اضافه‌ای، تمیز، مسند، بند متممی و متمم قیدی در ادامه به توصیف هر یک از متمم‌های فوق می‌پردازیم.

### ۱.۴.۱ فاعل

افعال زبان فارسی را به دو دسته‌ی افعال شخصی و افعال غیر شخصی تقسیم می‌کنیم. افعال شخصی فاعل آشکار می‌گیرند اما افعال غیر شخصی لزوماً فاعل آشکار نمی‌گیرند و شناسه‌ی آن‌ها همواره به صیغه‌ی سوم شخص مفرد است.

#### الف) فاعل در افعال شخصی:

فاعل شخصی به کلمه یا گروهی اطلاق می‌شود که به عنوان یکی از متمم‌های فعل در جمله ظاهر می‌شود و انجام یافتن یا عملی بودن مفهوم فعل را میسر می‌گرداند. فاعل در افعال شخصی به دو صورت ظاهر می‌شود، یکی به صورت فاعل آشکار ( آریا در مثال (الف) در زیر) که می‌توان آن را از جمله حذف کرد و دیگری به صورت شناسه‌ی فاعلی که وجود آن الزامی است (مثال (ب) ):

الف) آریا آمد

ب) آمد

بنابراین فاعل در افعال شخصی از متمم‌های اجباری فعل محسوب می‌شود که در ساخت ظرفیتی و بنیادین آن را به صورت < فا > نمایش می‌دهیم:

آمدن: < فا >

## ب) فاعل در افعال غیر شخصی:

افعال غیر شخصی را به دو دسته‌ی افعال با فاعل محذوف و افعال با فاعل صفر تقسیم می‌کنیم. افعال غیر شخصی دارای دو ویژگی مشترک هستند: یکی این‌که از حیث صورت همواره به صورت سوم شخص مفرد صرف می‌شوند و دوم این‌که همواره یک بند متممی به عنوان متمم اجباری به خود می‌گیرند.

## افعال غیر شخصی با فاعل محذوف:

به افعالی گویند که فاعل آشکار می‌گیرند، اما به جای این فاعل آشکار معمولاً از بند متممی استفاده می‌شود. افعال «آمدن، افت داشتن، اهمیت نداشتن...» از این دسته افعال هستند:

آمدن:

الف) در شاهنامه آمده است که رستم اهل سیستان بود.

ب) این واقعه در شاهنامه آمده است.

برای نمایش ساخت ظرفیتی افعال غیر شخصی با فاعل محذوف از علامت < فا / Ø بند > استفاده می‌کنیم. یعنی اولاً این افعال فاعل دارند اما فاعل در آن‌ها می‌تواند محذوف باشد و ثانیاً زمانی که بدون فاعل آشکار به کار می‌روند، بند متممی در آن‌ها به صورت بخشی از فاعل ظاهر می‌شود. این‌که بین علامت Ø و ( بند ) در ساخت ظرفیتی این افعال ویرگول نمی‌گذاریم به این معناست که این افعال فاعلی دارند که می‌تواند محذوف باشد و در این صورت بند متممی در آن‌ها به عنوان بخشی از فاعل ظاهر می‌شود:

افت داشتن: < فا / Ø بند >

رفتن به آن‌جا افت دارد: || فا، ف ||

افت دارد که به آن‌جا بروی: || Ø بند، ف ||



علاوه بر افعال فوق زنجیره‌هایی نیز متشکل از صفت + فعل ربطی وجود دارند که مشابه افعال مذکور معمولاً به جای فاعل آشکار از بند متممی استفاده می‌کنند مانند افعال «بهبتر بودن/شدن، ضروری بودن/شدن، لازم بودن/شدن و...» و همچنین زنجیره‌هایی مانند «آگاه بودن/شدن، مطلع بودن/شدن و...». با توجه به این نکته که در تمام این زنجیره‌ها می‌توان صفت‌های موجود را با صفت‌های متعدد دیگر جایگزین کرد این زنجیره‌ها را فعل مرکب در نظر نگرفتیم. این زنجیره‌ها ساخت‌های اسنادی هستند که بند متممی در آن‌ها در واقع وابسته‌ی صفت (مسند) است.

### افعال غیر شخصی با فاعل صفر:

افعالی هستند که فاقد فاعل می‌باشند و هیچ گروه اسمی را نیز نمی‌توان به عنوان فاعل به آن‌ها افزود. شناسه‌ی این افعال همواره به صیغه‌ی سوم شخص مفرد است و همواره نیز با یک بند متممی اجباری در جمله ظاهر می‌شوند. افعال وجهی «بایستن، توانستن و شدن» وقتی به صورت غیر شخصی به کار می‌روند دارای فاعل صفر هستند.

باید رفت

می‌توان نفس کشید

افعال «امید بودن، به نظر رسیدن، جا داشتن و یقین بودن» نیز از جمله افعال غیر شخصی با فاعل صفر هستند. برای نمایش ساخت ظرفیتی افعال غیرشخصی با فاعل صفر از علامت  $\emptyset$  استفاده می‌کنیم.

امید بودن:  $\emptyset$  ، بند <

لازم به ذکر است که همکرد در افعال غیر شخصی با فاعل صفر غالباً فعل ربطی بودن است. این

ترکیبات را نه با فعل ربطی شدن و نه با فعل سببی کردن نمی‌توان به کار برد.

برای تشخیص فاعل صفر از فاعل محذوف تنها کافی است به این نکته توجه داشته باشیم که به جای فاعل محذوف همواره می‌توان از یک ضمیر یا گروه اسمی یا عبارت مصدری استفاده کرد اما به جای فاعل صفر هیچ چیز نمی‌توان قرار داد.

### ۲.۴.۱ مفعول

مفعول یکی از متمم‌های فعل است که به شکل کلمه یا گروهی مستقل در جمله ظاهر می‌شود و عمل فعل بدون واسطه‌ی هیچ حرف پیش اضافه‌ای بر آن وارد می‌شود. فعلی را که مفعول می‌گیرد، به تبعیت از دستورهای سنتی، فعل متعدی می‌نامیم. مفعول معمولاً از متمم‌های اجباری فعل است اما در مورد افعالی مانند «امتحان دادن و بالا آوردن» مفعول به صورت متمم اختیاری ظاهر می‌شود:

سحر (ریاضی را) امتحان داد.

امیر (هر چه خورده بود) بالا آورد.

افعال متعدی از حیث به کار رفتن با حرف نشانه‌ی را به دو گروه تقسیم می‌شوند:

(۱) افعالی که مفعول آنها الزاماً با حرف نشانه‌ی را به کار می‌رود و حذف آن موجب بدساخت شدن جمله می‌شود. افعالی چون «آگاه کردن، تهدید کردن، راحت گذاشتن و مطلع کردن» از این دسته افعال هستند.

(۲) افعالی که مفعول آنها هم با نشانه‌ی را و هم بدون آن به کار می‌رود. غالب افعال متعدی در زبان فارسی به این گروه تعلق دارند مانند افعال «بردن، خواندن، زدن، گرفتن...»

مفعول را در ساخت ظرفیتی به صورت < مف + را > نشان می‌دهیم و آن را در افعالی که الزاماً با را

به کار می‌روند به صورت < مف + را > نمایش می‌دهیم:

تهدید کردن: < فا ، مف + را >

او مرا تهدید کرد.

در ساخت ظرفیتی افعالی که مفعول در آنها هم با را و هم بدون آن به کار می‌رود را به صورت  
< مف ± را > نمایش می‌دهیم:

خواندن: < فا ، مف ± را >

ما کتاب (را) خواندیم.

لازم به ذکر است که در فرهنگ حاضر به منظور رعایت اختصار و تسهیل در ساخت‌های ظرفیت وجود و یا عدم وجود را نمایش داده نمی‌شود.

### ۳.۴.۱ مفعول حرف اضافه‌ای

یکی از متمم‌های فعل است که به شکل یک گروه حرف اضافه‌ای در جمله ظاهر می‌شود و عمل فعل به واسطه‌ی یک حرف پیش اضافه بر آن وارد می‌شود. مفعول حرف اضافه‌ای بسته به فعل هم به صورت متمم اجباری و هم به صورت متمم اختیاری در جمله ظاهر می‌شود. افعال «تعریف کردن و درس دادن و...» از جمله افعالی هستند که مفعول حرف اضافه‌ای می‌گیرند.

حروف پیش اضافه‌ای از حیث ساختمان یا ساده هستند و یا مرکب. حروف پیش اضافه‌ای ساده مانند: از، الا، الی، با، بر، برای، به، بی، تا، جز، چون، در و مگر و حروف پیش اضافه‌ای مرکب مانند: به جز، از جانب، با توجه به، پس از و غیره.

مفعول حرف اضافه‌ای را در ساخت‌های ظرفیتی به صورت <مفع> نمایش می‌دهیم. ضروری است که نوع حرف پیش اضافه را نیز در ساخت ظرفیتی ذکر نماییم مثلاً به صورت < مفع از ی > پرسیدن: < فا، مف ، مفع از ی >

او این سوال را از من پرسید.

## ۴.۴.۱ مفعول نشانه اضافه‌ای

تنها متممی در زبان فارسی است که با افعال بسیط به کار نمی‌رود بلکه فقط با برخی از افعال مرکب در این زبان به همراه می‌آید. این مفعول به واسطه‌ی یک نشانه یا کسره‌ی اضافه به عنصر همراه (جزء غیر فعلی در فعل مرکب) می‌پیوندد و عمل فعل بر آن وارد می‌شود. مفعول نشانه اضافه‌ای نیز مانند مفعول حرف اضافه‌ای بسته به فعل ممکن است اختیاری یا اجباری باشد. افعال زیر از جمله افعالی هستند که یک مفعول نشانه اضافه‌ای در ساخت ظرفیتی آنها وجود دارد: «اجازه دادن، تحویل دادن، صحبت کردن و...»

آنها به ما اجازه‌ی صحبت ندادند.

من پاسخ او را دادم.

این دسته از افعال از حیث به کار رفتن مفعول نشانه اضافه‌ای با حرف نشانه‌ی را به سه گروه

تقسیم می‌شوند:

(۱) افعالی که مفعول نشانه اضافه‌ای آنها الزاماً با را به کار می‌رود و حذف را از آنها باعث بدساخت

شدن جمله می‌شود مانند: تعریف کردن و گله کردن.

علی تعریف شما را می‌کرد.

\* علی تعریف شما می‌کرد.

(۲) افعالی که مفعول نشانه اضافه‌ای آنها هم با حرف نشانه‌ی را و هم بدون آن به کار می‌رود مانند:

سفارش دادن، صحبت کردن و قول دادن.

سهیل سفارش غذا داد.

سهیل سفارش غذا را داد.

در این افعال مفعول نشانه اضافه‌ای اگر معرفه باشد را می‌گیرد و اگر نکره یا اسم جنس باشد را

نمی‌گیرد.